

نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان

_____ مریم صف آرا^۱ - زهره طریقی احسن^۲ - دکتر اصغر اخوی^۳ _____

چکیده

برای نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان، ابتدا مرحله بیرونی‌سازی؛ یعنی آموزش مسائل اخلاقی به کودکان، سپس عینی‌سازی؛ یعنی مشاهده رفتار اخلاقی در الگوها، و در نهایت، استمرار آن‌ها در طول عمر لازم است. در این مقاله شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری مورد بررسی قرار گرفته، آگاهی بخشی به فضایل و رداییل اخلاقی، موعظه، و تلقین، تلفیق علم و عمل از شیوه‌های شناختی؛ محبت، توجه به نیازهای کودک، قصه‌گویی، رفق و مدارا از شیوه‌های عاطفی نهادینه‌سازی؛ و ارائه الگوی عملی، بازی، تشویق، تنبیه و ایجاد اشتغالات فکری از شیوه‌های نهادینه‌سازی در حیطه رفتاری است. در ابتدا به عوامل موثر در نهادینه‌سازی ارزش‌ها و موانع آن اشاره شده است. در این تحقیق، روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های اخلاقی، اخلاق کودک، نهادینه‌سازی اخلاق.

۱. استادیار دانشگاه الزهراء safara_maryam@yahoo.com

۲. طلبه سطح سه جامعه الزهراء.

۳. مدرّس جامعه الزهراء.

مقدمه

آنچه در زمینه پذیرش قلبی و روحی کودکان مورد توجه پدران و مادران و مربیان تعلیم و تربیت است، آشنایی با سامانه اخلاقی و ساخت روحی انسان است؛ که هر اندازه بیشتر و دقیق تر باشد، شیوه‌های مناسب‌تری برای تثبیت و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان مد نظر مربیان قرار می‌گیرد.

مقصود از نهادینه‌سازی، درونی‌کردن است. درونی کردن یک ارزش، یعنی ارزش، جزئی از وجدان شخص شود، به گونه‌ای که نقض آن نزد شخص، احساس خطا و شرم برانگیزد و شخص تعهد وجدانی داشته باشد که آن را محترم بشمارد (اوجاقی، ۱۳۸۶: قسمت مقدمه، صفحه الف).

درونی‌سازی، فرایندی است که به واسطه آن، اعمال سازگارانه به تدریج درونی می‌شوند و در وجود کودک تثبیت می‌گردند. در نهایت، با برطرف کردن موانع درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و توجه به مراحل رشد و مراحل نهادینه‌سازی و به کارگیری شیوه‌های نهادینه‌سازی آن‌ها می‌توان رشد اخلاقی کودکان را شتاب بخشید و ارزش‌های اخلاقی را در آن‌ها نهادینه ساخته، افرادی متخلّق به اخلاق اسلامی پرورش داد.

نظر به محدودیت قدرت درک و فهم کودک، بیشترین تلاش مربیان در این مرحله باید متمرکز بر ایجاد رغبت، علاقه و انس در کودک نسبت به ارزش‌های اخلاقی باشد تا آن‌ها را بشناسند، اجرا کنند و با تکرار شدن‌شان در عمل، به مرور زمان، در وجود کودکان نهادینه شوند.

با توجه به اینکه پابندی به ارزش‌های اخلاقی در بزرگسالی، منوط به آموزش آن‌ها در دوره کودکی است؛ می‌توان به اهمیت پرداختن به ارزش‌های اخلاقی در کودکان و تلاش برای نهادینه‌سازی‌شان در دوره کودکی پی برد. آموزش و پرورش، از نهادهای نظام‌مندی است که در نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی جامعه در نسل‌های آینده نقش مؤثری برعهده دارد (فاضل، ۱۳۸۵: ۱۱۴)؛ زیرا جامعه دینی و اسلامی ایران، نیازمند پرورش نسلی است که ارزش‌های دینی و اخلاقی در آن‌ها نهادینه شده باشد. پرورش و

نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی، نتیجه‌عالیه‌تعلیم و تربیت است (شریف زاده خاوری، ۵۰).

در زمینه آموزش مسائل دینی به کودکان، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده، در مسئله مراحل رشد اخلاقی در کودکان هم کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده (کیلن، ۱۳۸۹) که به صورت کلی مباحثی را مطرح کرده‌اند؛ همچنین پایان‌نامه‌ها (احسانی، ۱۳۹۲) و مقالاتی (کیانی، ۱۳۷۰؛ ش ۱۴۱-۱۴۳) به رشته تحریر درآمده، اما در زمینه نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان، مقالات کمی نگاشته شده، به عوامل و موانع در زمینه نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی به طور کامل پرداخته نشده است. در این تحقیق، علاوه بر اشاره به علل و موانع نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان، به شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان با ساختاری جدید در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری پرداخته شده است.

روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. سؤال اصلی که در این مقاله بررسی شده، این است که چگونه می‌توان ارزش‌های اخلاقی را در کودکان نهادینه کرد؟ هدف کلی تحقیق، پی بردن به چگونگی نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان است. بایسته است پیش از آن، اشاره‌ای به عوامل مؤثر در نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان و نیز موانع آن داشته باشیم.

عوامل مؤثر در نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان

مهم‌ترین عواملی را که در رشد و تربیت اخلاقی، نقش ایفا می‌کنند، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: خانواده، اجتماع.

خانواده: آموزش کودکان تا شش سالگی به عهده پدران و مادران بوده، از دو جهت وراثت و نقش تربیتی که خانواده بر روی کودک دارند؛ تأثیرش عمیق‌تر است. آن‌ها انتقال‌دهنده ویژگی‌های وراثتی به کودکان‌اند (رشید پور، ۱۳۷۴: ۴۹).

از نظر اسلام فضایل یا رذایل پدران و مادران در فرزندان، آثار قابل ملاحظه‌ای دارد و فرزندان وارث آن صفات پسندیده یا ناپسند خواهند بود و در حالات، رفتار و اندیشه آنان

تأثیر خواهد داشت (محمدی ارهانی، ۱۳۹۲: ۲۷).

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «حَسُنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ؛ اخلاق نیکو، دلیل فضیلت و اصالت خانوادگی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹۴، ح ۴۸۳۷).
دامن مادر، اولین مدرسه و کلاس تعلیم و تربیت بوده، ارزش های اخلاقی آن در کودک اثر می گذارد.

اجتماع: شامل مدرسه، دوستان و رسانه ملی است.

۱. **مدرسه:** کودک در مدرسه، یکی از اعضای جمع بزرگ دانش آموزان است. در بعضی موارد مدرسه نقش مهم تری از خانواده ایفا می کند، زیرا محیطی جمعی به شمار می رود و فرد خود را ملزم به همانندی و هماهنگی با دیگران می داند. مدرسه، علاوه بر تکمیل و تقویت آموخته کودک در خانه، به او آموزش های جدیدی در تمام ابعاد عقلی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی می دهد. عمل اولیا و مربیان هماهنگ، اما متفاوت است. تمام رفتار معلم، از کوچک ترین حرکات و اشارات او تا نحوه گفتار و عملش، ممکن است توسط دانش آموزان تقلید شود.

کانت اعتقاد دارد که در محیط مدرسه باید مراقبت کنیم که کودک به عمل کردن بر طبق اصول کلی خوبگیرد (همان جا). با بررسی موقعیت می توان از دانش آموز خواست رفتارش را ارزیابی کرده، به اصلاح رفتارهای غلط بپردازد.
برنامه های رشد اخلاقی، منحصر در ساعات خاص نیست، بلکه شامل هر مکان و زمانی می شود و توجه به رشد همه جانبه دانش آموزان لازم است.

۲. **دوستان و همسالان:** احساس تعلق به گروه، یکی از بنیادی ترین نیازهای روانی کودک است و گروه دوستان، تأثیر عمیق و بسزایی در شخصیت او دارند تا جایی که گاه بر تربیت خانوادگی اثر می گذارد و کودک برخی رفتارها را به فراموشی می سپارد و رفتارهای شبیه همسالان را از خود بروز می دهد، زیرا گروه همتایان، الگوهای رفتاری برای کودکان تلقی می شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نقش دوست در شکل گیری شخصیت انسان و تأثیرگذاری خوب و

بد آن بر او می‌فرماید: «المرء علی دین خلیله و قرینه؛ انسان بر دین و آیین دوست و هم‌نشین خود است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۷۵).

گروه‌گرایی تا قبل از سن مدرسه، به شکل پراکنده است. اما با ورود کودک به مدرسه و مواجه شدن با گروه همسالان، افراد، گروه‌های کوچک‌تری تشکیل می‌دهند. تمام روابط و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت کودک دارد. کودک با متأثر شدن از محیط اجتماعی، در جنبه اجتماعی رشد می‌کند.

۳. رسانه‌های همگانی: رسانه‌ها شامل رادیو، تلویزیون، انواع فیلم‌های تفریحی و تربیتی و روزنامه‌ها و مجله‌ها هستند؛ که به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم، با مخاطبان خود، ارتباط برقرار می‌کنند (اسماعیلی یزدی، ۱۳۹۰: ۹۰) و از عوامل جانبی و مکمل آموزشی به شمار می‌آیند. به دلیل تنوع برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، عده‌ای این رسانه‌ها را رکن چهارم تربیتی دانسته‌اند. نقش این رسانه‌ها در پرورش استعدادها و تأثیر در رفتار و اخلاق آن‌ها تا حدی عمیق است که در اهمیت آن می‌توان گفت، یکی از عوامل رشد اخلاقی در کودکان می‌تواند رسانه‌های همگانی باشد، چرا که در همه زمینه‌ها و مکان‌ها حضور بی‌وقفه دارد و بدون هیچ‌گونه تبلیغی، بینندگان بسیاری را در اوقات فراوانی جذب می‌کند و می‌تواند جزء بهترین آموزش‌دهنده‌ها باشد (محمدی اراهانی، ۱۳۹۲: ۴۰).

۱. مراحل نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان

چهار مرحله را می‌توان در نهادینه‌سازی یا درونی کردن مسائل اخلاقی در نظر گرفت:

۱. **بیرونی سازی:** در مرحله بیرونی سازی، ابتدا با بیان و آموزش، کودک مسائل اخلاقی را می‌آموزد و سپس آنچه را آموخته، تجربه می‌کند.

۲. **عینی سازی:** با مشاهده رفتار الگوها، مسائل اخلاقی برای کودک عینی می‌شود، یعنی هر چه را کودک ببیند، الگوگیری می‌کند.

۳. **تکرار:** یکی از موارد در درونی سازی اخلاق در کودکان، تکرار (قائمی، ۱۳۷۶: ۱۶۹) و تمرین است و در نهایت تثبیت رفتارهای اخلاقی و عادت شدن آن‌ها در کودک و مقید

شدن او در هر شرایطی است (مختاریان پور، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۴. **استمرار:** از ویژگی‌های تربیت و رشد اخلاقی، استمرار آن است و محدود به کودکی و نوجوانی نیست. انسان‌ها حتی در آخرین لحظه‌های زندگی نیز نیاز به تذکر دارند تا از مسیر درست منحرف نشوند (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۳) و بعد رفتار اخلاقی را ادامه دهند، تا در آن‌ها نهادینه گردد.

موانع درونی نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان

موانع درونی، از درون کودک سرچشمه می‌گیرند و شامل موانع جسمانی و روانی اند.

الف: موانع جسمانی

۱. **نواقص جسمانی.** نارسایی یا ابتلا به ضایعات مغزی و نقص بدنی، از عوامل عدم رشد صحیح اخلاقی می‌توانند باشند (یوسفی، ۱۳۸۸: ۵۷۶). وجود مشکل در ترشح غدد درون ریز مانند: عدم ترشح تیروکسین، حس اخلاقی و مذهبی را دچار لطمه‌های شدید می‌کند. در مواردی هم نامتعادل بودن هورمون‌ها، به عصبانیت، مشکلات خواب، افسردگی و کندذهنی کودکان منجر می‌شود که در متوقف یا کندکردن رشد اخلاقی آن‌ها مؤثر است (احمدی، ۱۳۸۰: ۵۸۷).

۲. **تغذیه نامناسب جسمی و روحی.** غذا نه تنها روی بدن آثار خوب یا بدی دارد، بلکه از لحاظ اخلاقی نیز در روان بشر آثار مطلوب یا نامطلوب برجای می‌گذارد. امام موسی بن جعفر علیه السلام دلیل حرمت شراب را فسادهایی که در آن بود، مطرح کرده‌اند (صالح، ۱۶). در تعالیم عالیّه اسلام، روایاتی مربوط به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و راهنمایی مردم درباره تغذیه صحیح وجود دارد و هر چه علم، بیشتر از اسرار طبیعت پرده بردارد، اهمیت غذا بیشتر شناخته می‌شود (جزایری، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۶). استفاده از میوه‌ها در سلامتی، تأثیر بسزایی دارد. (همان، ۱۰۲) لقمه حرام نیز در اخلاق و رفتار کودک تأثیرگذار است (عینی، ۱۳۸۷: ۸۹).

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «كسبُ الحرام يببین فی الذرّیة؛ اثر کسب حرام در فرزندان

ب: موانع روانی

۱. **نفی شخصیت کودک.** روان شناسان پس از بررسی های علمی به این نتیجه رسیده اند که بسیاری از جنایتکاران بزرگ، کسانی بوده اند که در دوران کودکی، نفی شخصیت شده اند، یعنی جامعه چنین افرادی را به کلی طرد نموده و هیچ نوع شخصیتی برای آنان قائل نبوده است، آن ها نیز به رفتارهای زننده غیر اجتماعی دست زده اند تا عقده های خود را خالی کرده، از جامعه انتقام بگیرند (مهر حسینی، بی تا: ۶۳).

۲. **کمبودهای عاطفی.** روان شناسان کمبودها و افت های تحصیلی و اخلاقی را با کمبودهای هوشی و عاطفی کودکان مرتبط می دانند. در روش تربیتی گذشته، به شخصیت کودک کمتر توجه می شد و به آن ها به سبب خردسالی اعتنایی نمی شد، اما در تربیت نوین، کودک یک انسان کامل شناخته شده، با دیگران تفاوتی ندارد. اسلام نیز به بزرگ سالان تأکید دارد، شخصیت کودکان را رعایت و به وعده هایشان عمل کنند.

امام سجاد علیه السلام فرموده اند: «در رفتار با کودکان باید کوشید از اشتباهات و خطاهای آنان در گذشت و پرده پوشی نمود و با آنان با نرمی و مدارا رفتار کرد و شخصیت آنان را نباید کوبید و باید به آن ها یاری رساند» (طبرسی، بی تا، فصل ششم).

پرده پوشی خطاهای کودکان سبب می شود، از سرزنش های پی در پی جلوگیری شده، حالت لجبازی در کودکان شعله ور نگردد. برخورد توأم با مدارا، کودکان را بیشتر به سوی رعایت ارزش های اخلاقی می کشاند و با رعایت بیشتر آن ها، به تدریج ارزش های اخلاقی در کودکان نهادینه می گردد.

۳. **ترس.** ترس در خانه برد و قسم است: ۱- ترس از گناه، ۲- ترس از پدر. در آنجا که ترس از گناه باشد، ترس های بی حساب وجود ندارد، آنجا مهد بهترین تربیت است و کودکان از اوّل به درستکاری و صحت عمل عادت می کنند. آنجا که ترس از پدر باشد، کوچک ترین لغزش را با بزرگ ترین مجازات کیفر می دهد (قائمی، ۱۳۷۴: ۴۹). در نظر کودکان، راضی نگه داشتن پدر، تنها برای مصون ماندن از سزاوست. به این ترتیب، بذر

دشمنی در دل کودکان ریخته شده، نهال بغض و کینه با اعمال ناروا آبیاری می‌شود و زمینه سرکشی و طغیان را فراهم می‌آورد و علل بدبختی خود و فرزندان را آماده می‌کند و روزی که شرّ تهدید پدر شکسته شود، عقده درونی فرزندان، طوفانی به پا می‌کند، و در مقام انتقام گرفتن، ممکن است به کارهای خطرناک دست بزنند (احدی، ۱۳۷۱: ۲۴۵).

موانع بیرونی نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان

موانع بیرونی، اموری است که محیط زندگی کودک را تشکیل می‌دهند و از بیرون بر کودک تحمیل می‌گردند.

۱. رفتار نامناسب پدران و مادران. ریشه بسیاری از ناسازگاری‌ها و نیز کج‌روی‌های افراد در دوران بزرگ‌سالی، ناشی از دوران کودکی و متأثر از روش غلط تربیتی والدین و مربیان است. رفتارشناسان اجتماعی بیشتر بزه‌کاری‌های رفتاری در بزرگسالان را نتیجه برخورد بد و تربیت غلط در دوران اولیه رشد و آغاز سال‌های نخست زندگی و زمان کودکی می‌دانند. در واقع، پایه اصلی شکل‌گیری شخصیت انسان، در هفت سال اول زندگی است (برجی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

۲. سبک‌های نادرست تربیتی. سخت‌گیری پدران و مادران، موجب تأثیر سوء در تربیت فرزندان است. هر کودکی بنا به اصل فطرت دارای غریزه حبّ ذات است و چه بهتر که به جای تنبیه و آزار بدنی، با تحریک این غریزه، تشویق شود و با الگودهی درست، کودکان متخلق به اخلاق نیکو گردند. سهل‌انگاری‌های بی‌جا، اینکه کودک هرکاری کرد، در نظر گرفته نشود و از هر خطایی چشم‌پوشی شود، کودک را خودسر، بی‌بند و بار و عاصی بار خواهد آورد (احدی، ۱۳۷۱: ۲۴۱).

مردی در حضور امیر مؤمنان علیه السلام از فرزند خود شکایت کرد، فرمود: «لَا تُضْرِبُهُ وَ اِهْجُرْهُ وَ لَا تُطْلُ؛ فرزندان را مزن و برای ادب کردنش با او قهر کن، ولی مواظب باش قهرت به طول نینجامد؛ هر چه زودتر آشتی کن» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۸۹).

در این حدیث، حضرت به مجازات عاطفی اشاره کرده تا عزّت نفس کودک متأثر

شود.

۳. اختلاف‌های خانوادگی. یکی از عوامل مهم انحراف، اختلاف‌ها و مشاجره‌های پدران و مادرها یا رفتار نامساعد ناپدیری و نامادری نسبت به کودکان و بی‌توجهی به ارشاد آن‌هاست که موجب سرگردانیشان می‌شود (احدی، ۱۳۷۱: ۲۵۸؛ عینی، ۱۳۸۷: ۸۸). کودک از محیط ناامن و پریشان خانواده می‌گریزد و در جست‌وجوی دوستانی است که کمبودهای روحی‌اش را جبران کنند. حالا اگر آن‌ها افراد نابابی باشند، کودکان را به انحراف می‌کشانند و به بدترین اخلاق گرفتارشان می‌کنند.

۴. محیط فاسد. پرداختن به تربیت اخلاقی در محیط‌های فاسد، گرچه سخت است، اما به معنای عدم امکان اصلاح نفس و ناتوانی انسان نیست؛ بلکه پدران و مادران و مربیان پیش از آنکه فساد و آلودگی جامعه، کودکان را گرفتار کند، می‌توانند به تربیت اخلاقی آنان اقدام نمایند و اگر محیط به حدی آلوده باشد که امکان حفظ کودک از آلودگی‌ها نباشد، اقدام به ترک آن محیط، بهتر از آینده‌ای نامطمئن است. چه بسا افرادی که در خانواده‌ای سالم پرورش یافته‌اند، ولی با قرارگرفتن در محیط فاسد، به ورطه هلاکت افتاده‌اند (رشید پور، ۱۳۷۴: ۹۰-۹۱).

۵. بیان تلخ و لحن آمرانه. بیان تلخ و لحن آمرانه نیز از موانع موجود در نهادینه‌سازی می‌باشد. گاهی بیان سخت‌ترین تکالیف، با زبان ملایم و مناسب، بردل کودکان می‌نشیند و آن را می‌پذیرند؛ و گاهی آسان‌ترین رفتارها به خاطر اینکه با زبان تلخ بیان می‌شود، مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. از طرفی، سهل‌انگاری هم مناسب نیست، که کودک، خود را فارغ از هر نوع تکلیف و مسئله اخلاقی بداند؛ به بهانه اینکه کودکان جذب شوند و در عمل سستی بورزند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

۶. افراط و تفریط در محبت. محبت افراطی یا خوش‌بینی بیش از حد به کودکان، موجب می‌شود پدران و مادران و مربیان نتوانند در زمان لازم برخورد قاطعی با کودکان داشته باشند یا در شرایط بحرانی، شرایط را به درستی مدیریت کنند. محبت افراطی موجب لوس بار آمدن کودک - به خصوص وقتی که تنها فرزند خانواده باشد - و بدبختی او خواهد شد. آمار نشان داده، درصد بیشتری از کودکان تک فرزند، حتی با داشتن

امکانات مادی، به بزهکاری گرایش یافته‌اند (احدی، ۱۳۸۰: ۲۴۱). پدران و مادران یا مربیان اگر با کودک برخوردی خشک، رسمی و خالی از رابطه عاطفی داشته باشند، تأثیرپذیری او بسیار کاهش می‌یابد. اما تربیت اخلاقی در فضایی توأم با همدلی و همراهی در جایی که مربیان برای کودکان ارزش قائل باشند، به آنان احترام بگذارند، آنان را درک کنند و براساس نیازها، شرایط و فضای ذهنی‌شان با آنان ارتباط برقرار کنند، مؤثر واقع شده، ارزش‌های اخلاقی بهتر در وجود کودکان نهادینه می‌گردد.

۷. **عدم ارائه الگوی مناسب.** مانع دیگری که سدّ راه رشد اخلاقی کودکان است، عدم ارائه الگوی مناسب است. ارائه الگویی که شرایطی شبیه شرایط کودک دارد، باعث می‌شود که کودک، بهتر آن الگورا بپذیرد و در رفتارهایش از او تقلید کند. در برخی موارد، الگویی که از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) ارائه می‌شود، در قالب انسان‌هایی‌اند همه آسمانی. تولدشان، رشدشان، زندگی‌شان، نحوه تعامل آنان با جامعه، همه و همه، همراه با معجزه و آینده‌نگری است، گویی میان مردم زندگی نمی‌کردند و در این دنیا نبودند، در حالی که اگر چه آن بزرگواران دارای شخصیت والای معنوی بودند، ولی ارزش این مقام معنوی برای کودکان، هنگامی برجسته می‌شود که دریابند، آنان نیز مانند مردم عادی، زندگی معمولی داشتند، ویژگی‌های معنوی‌شان در اثر زهد، تزکیه و اخلاقتان بوده، قابل تقلیدند (جعفری، ۱۳۷۴: ۱۸۴).

۸. **عدم تناسب نتایج اعمال با شرایط کودکان.** بهتر است در بیان برخی نتایج سخت برای رفتارهایی خاص، دقت کافی به عمل‌آید، تا باعث وحشت کودکان نشود، به طوری که هراسی دائمی از خالق در دلشان قرار گیرد، هراسی که بدون امید باشد و بیندارند خالق موجودات، خشونت دائمی دارد و همواره در پی مجازات به دلیل عدم رعایت ارزش‌های اخلاقی است. با کودکان بهتر است از کارهای خوب و نتایج زیبا سخن گفت و توجه کرد که کیفیت و کمیت رفتارها با هم متفاوت‌اند، اگر تشویق هم در جایی لازم است، اگر با عمل تناسب نداشته باشد، این روش دچار آسیب است. برای یک رفتار خوب کوچک، تشویق بیش از حد، باعث انتظار تشویق شدن برای هر کار معمولی

می‌شود. از سوی دیگر، برای یک کار ارزشمند، گفتن تنها یک جمله قدردانی کافی نیست، که موجب دلسردی و بی‌انگیزگی کودک در تکرار عمل می‌شود.

شیوه‌های نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان در حیطه شناختی

۱. پرورش روح حقیقت‌جویی. کودک ذاتاً حقیقت‌جوست و به دانایی و کاوش علمی گرایش دارد. حقیقت‌جویی، یعنی کودکی که طالب حقیقت است، در مسیری هدایت شود که بتواند برای رسیدن به حقیقت بکوشد، افکار دیگران را به درستی بشنود، به خوبی درک کند و با معیارهای دینی و عقلی بسنجد و بهترین را برگزیند.

۲. آگاهی بخشی به فضایل و رذایل اخلاقی. آشنایی با فضایل و رذایل اخلاقی، نقش مهمی در شکل دادن به گرایش‌ها و رفتارهای کودک دارد (داودی، ۱۳۸۸: ۳/۶۶). از طریق آشنا کردن کودک با آموزه‌های اخلاقی می‌توان به این روش عمل نمود، این روش، در رشد و بصیرت اخلاقی کودک مؤثر است.

۳. بیان نتایج دنیوی و اخروی یک عقیده و عمل، (بنگرید به: روم/۴۱). این شیوه، روش معروفی است که علم اخلاق بر پایه آن استوار شده است. در این روش، تلاش بر آن است که کودک از نتایج اعمالی که انجام می‌دهد، آگاه باشد و بداند که رفتارهای او، چه خوب و چه بد، نتایجی دارد که به خود وی باز می‌گردد.

۴. روش القاء و تلقین (قائمی، ۱۳۷۶: ۲۰۵). تلقین، یعنی آنکه کودک بیاموزد در موقعیت‌های مختلف، با به زبان آوردن، تکرار گفتاری معین، مرور ذهنی یا انجام ظاهری یک رفتار پسندیده، خود را برای انجام ظاهری یک رفتار پسندیده مهیا سازد. تکرار رفتار پسندیده، از جلوه‌های تلاش برای تلقین است. کودک در شش سالگی در پی کشف منابع قدرت است. از اینجا می‌توان با تلقین، ارزش‌های اخلاقی را برای کودک مشخص ساخت و او را به سوی آن‌ها هدایت کرد (آذرهرنگ، ۱۳۷۹: ۳۲۲).

۵. روش تغافل. روش تغافل یعنی به غفلت زدن و نادیده گرفتن خطای کودکان، در مواقعی که احتمال ارتکاب خطا وجود دارد، و در صورت یقین به وجود خطا هم، که فرد خطاکار می‌کوشد با توجیهاتی خطایش را بیوشاند، تغافل موجب بازگشت او به راه راست

و مانع تکرار اشتباه می شود.

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «أذا ظننتم فلا تحقّقوا؛ به کسی گمانی بردید، آن را حقیقت نپندارید» (پاینده، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان در حیطه عاطفی

نشانه‌های عاطفی کودک، ابتدا ساده است و در مقابل تحریکات خارجی یا داخلی آشکار می‌گردد. در جریان رشد عاطفی، به تدریج عواطف مختلف ظاهر می‌شود. شرایط محیطی نیز در پیدایش عواطف مختلف مؤثر است. احساس کودک قبل از عقل او ظهور می‌کند و به تدریج شکوفایی عقلی می‌یابد. کودک با این دو نیروی خدادادی، به مقام شایسته اخلاقی می‌رسد. می‌توان گفت، عقل راهنماست، ولی قدرت محرک آدمی، عواطف و احساسات است. در این قسمت به شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان در حیطه عاطفی می‌پردازیم:

۱. **شیوه قصه‌گویی.** هنر قصه و داستان این است که با عاطفه و احساس کودک درگیر می‌شود و برای بیان بسیاری از مسائل که اثبات آن‌ها نیازمند استدلالی قوی است که نمی‌توان آن را در حد فهم کودکان شرح داد، روش مناسبی است. در قرآن و روایات، قصه‌های زیادی وجود دارد که در ضمن آن‌ها علاوه بر اینکه مفاهیم و دستوره‌های دینی به افراد آموزش داده می‌شود، بر عبرت‌گیری از سرنوشت دیگران نیز تأکید می‌گردد.

۲. **تمثیل و تشبیه.** تشبیه، بیان شباهت موجود میان دو پدیده است و تمثیل، آنچه شهرت دارد و در یک فرهنگ از آن استفاده می‌شود. نیز می‌توان گفت، تمثیل، ارائه نمونه یا مثالی است که کودکان به آن گرایش می‌یابند و از آن تقلید می‌کنند (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۶۲). با تشبیه و تمثیل می‌توان برخی مفاهیم عقلی را برای کودکان، قابل درک و فهم ساخت. تبیین مسائل اخلاقی و تشبیه آن به مسائل روزمره زندگی، به ماندگاری و تعمیق آن در جان کودکان می‌انجامد (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۰۶).

۳. **سیرآفاقی و انفسی.** مشاهده پدیده‌های جهان طبیعت (اردوها)، از مطالعه ضعیف‌ترین و ساده‌ترین موجودات گرفته تا قوی‌ترین آن‌ها، از حرکت منظم ماه، ستاره و

نظاره تمامی مخلوقات، می‌تواند کودک را یاری کند تا به قدرت خالق یکتا پی برده، در مقام اطاعت او متخلق به اخلاق حسنه گردد. سیرانفسی یا به عبارت دیگر خودشناسی، یکی دیگر از کارهایی است که در طی آن، کودک با تمام ابعاد وجودش آشنا می‌شود و البته از خودشناسی برای خداشناسی نیز استفاده می‌گردد. در روایات وارد شده: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ هر کس که خودش را شناخت، خدایش را خواهد شناخت» (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: ۱۳). از سوی دیگر، باز گو کردن نعمت‌ها، بیان حال خوش مؤمنان و افراد با اخلاق، برانگیختن احساسات، گفت‌وگوها و آرام کردن دل کودک با بیانات گوناگون، برای نزدیک کردن آن‌ها به خدای متعال و رعایت ارزش‌های اخلاقی مؤثر است.

۴. محبت. یکی از نیازهای کودک، محبت است (برجی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹۴). محبت، یکی از عوامل بسیار مهم در جذب کودکان است. کودک نیاز دارد مورد نوازش و مهر و محبت قرار گیرد؛ در آغوش گرفته شده، به این سو و آن سو برده شود، کسی او را دوست بدارد و با او حرف بزند که اثر آن بر روی سلامت جسمانی و رشد روانی، عمیق و پایدار است (بهشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۸). محبت با فطرت و سرشت کودک سازگاری زیادی دارد (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴۹).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد محبت پدران و مادرها به فرزندان فرموده: «أَحَبُّوا الصَّبِيَانَ ... قَبَلُوا أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قَبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ ...؛ فرزندان خود را دوست بدارید، ... آنان را ببوسید که برای هر بوسه، درجه‌ای در بهشت به شما خواهند داد که فاصله هر درجه، پانصد سال است» (طبرسی، بی تا، ۲۳۱).

در روایات به سیادت کودکان اشاره شده: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ؛ کودک در هفت سال نخست زندگی آقای می‌کند» (همان، ۲۲۳) و نمی‌توان زبان زور در مورد او به کار گرفت و به عبارتی، محبت پذیر است.

۵. رفق و مدارا. رفق به معنای دقت و مدارا نیز به مفهوم نرمی و ملایمت در رفتار با دیگران است (طریحی، ۱۳۷۵: ذیل ماده رفق و دری). رفق در مورد دوستان و مدارا در

مورد مخالفان استفاده می شود (احسانی، ۱۳۹۲: ۶۸). با کودک با انعطاف و رفق برخورد کردن و به میزان درک او، مسائل را مطرح کردن، سبب می شود مسائل اخلاقی برای وی خوشایند باشد، آن ها را درک کند و به راحتی به انجام دادن آن ها مبادرت ورزد. (فرمehنی فراهانی، ۱۳۸۸: ۷۳).

امیرمؤمنان علیه السلام در زمینه رفق و مدارا فرمود: «المداراة أحمد الخلال؛ مدارا کردن، پسندیده ترین خصلت است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۰، ح ۱۳۶۰).

مدارا و سعه صدر در برخورد با خطاهای کودک و پرهیز از تمسخر و ترک توبیخ در حضور دیگران، عدم تحمیل و سخت گیری و رعایت اعتدال، می تواند راهی برای نهادینه سازی ارزش های اخلاقی در کودکان باشد.

۶. **روش تحریک و تهییج.** انجام رفتار اخلاقی و تلاش برای رسیدن به آن، در گرو آن است که کودک خود را قادر به انجام دادن آن بداند، و برای اینکه کودک این قدرت را بیابد، یکی از روش ها تحریک اوست به اینکه توانایی انجام کار مورد نظر را دارد. از جلوه های تحریک، یادآوری نعمت هایی است که کودک می تواند با بهره گیری از آن ها (مانند: تندرستی) در منش و رفتار خویش، رفتار پسندیده را آشکار سازد. در روش تهییج، مربی هم توانایی کودک را تحریک می کند و هم او را در مسیر کسب اخلاق حرکت می دهد تا با تلاش مضاعف، به قلّه های تکامل و سعادت برسد.

۷. **توجه به تأمین نیازهای کودک.** پدران و مادران و مربیان وظیفه دارند، شرایطی را فراهم آورند که نیازهای کودک تأمین گردد؛ نیازهایی که در رشد اخلاقی و معنوی او تأثیر دارد و توانایی درک حقایق را در او ایجاد می کند. در غیر این صورت، اگر موردی فراموش گردد یا مورد اغماض قرار گیرد، کودک به توانایی و شایستگی کامل دست نخواهد یافت. با رشد اخلاقی و تربیت صحیح است که شخصیت کودک ساخته می شود و پرورش می یابد و حتی می تواند در بزرگسالی، اجتماعی را دگرگون سازد. بنابراین، پدران و مادران و مربیان بهتر است از ویژگی های آفرینش جسمانی و نفسانی کودک آگاه باشند، و توجه داشته باشند که هر کودکی از لحاظ ساختمان جسمانی و قوای عقلی، خلقتی

خاص خود دارد (بهاری همدانی، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۹).

۸. فرصت دادن به کودک. دادن فرصت برای انجام بهتر کار و تقویت کودک است و اینکه شایستگی های خود را ظاهر سازد. پس می توان گفت، که باید با توجه به سن کودک، با او برخورد گردد و ارزش های اخلاقی به صورت مرحله ای به وی آموزش داده شود (فرمehینی فراهانی، ۱۳۸۸: ۷۳)، تا با فرصت کافی بیاموزد، انجام دهد و در او نهادینه گردد.

شیوه های نهادینه سازی ارزش های اخلاقی در کودکان در حیطه رفتاری

۱. محیط مناسب. استعداد های درونی کودک در محیط مناسب و شرایط مساعد شکفته می شود. از اساسی ترین شروط تکامل برای کودکان، محیط زندگی است. در شرایط مساعد، پرورش صحیح استعدادهای مختلف صورت می گیرد. فضیلت اخلاقی پدر، و محبت عاقلانه مادر، محیط پاک و سعادت بخشی به وجود می آورد و هر کودکی در آن، به سوی رعایت مسائل اخلاقی کشانده می شود.

۲. ارائه الگوی عملی. تربیت ابتدایی کودک به طور طبیعی با روش الگویی شکل می گیرد. الگوسازی، واکنشی است که در آن کودک به طور ناخود آگاه، اعمال، رفتار و گفتارش را با فرد یا افراد مورد نظر همانند می کند و می کوشد نگرش ها، ویژگی های رفتاری و هیجان های آن فرد یا اشخاص را برای خود، سرمشق قرار دهد (خدایاری فرد، ۱۳۷۰: ۸۱). اگر کودک افرادی را ببیند، این تمایل در او پدید می آید که نفوذ آنان را بپذیرد و خود را با آنها همانند و هماهنگ سازد. کودک در چند سال نخست زندگی، از پدر و مادر، الگوبرداری می کند و با تقلید از آنان بزرگ می شود.

۳. بازی، یک امر طبیعی است و همانند نفس کشیدن برای کودک ضرورت دارد. دوره کودکی، دوره بازی کردن است. کودک در سال های نخست زندگی، با اشیا بازی می کند، و سپس همبازی می طلبد، و از سنین سه یا چهار سالگی، به تدریج به بازی های گروهی و اجتماعی روی می آورد. در این گونه بازی ها، کودک رفتار خود با دیگران را تمرین می کند و با اصول زندگی جمعی و چگونگی رفتار با دیگران به تدریج

آشنا می‌شود. در حین بازی، ارزش‌های اخلاقی بسیاری را می‌توان به کودک آموخت (قائمی، ۱۳۷۴: ۱۶۹).

۴. تشویق. یک شیوه مناسب در ایجاد انگیزه به سوی کارهای مثبت، تشویق است. تشویق، یعنی ارائه یک محرک مطلوب، که کودک را در جهت انجام دادن یک کار سوق دهد و در روح او ایجاد انگیزش کند و او را به انجام اعمال نیک ترغیب نماید (خلجی، ۵-۶). در جهان امروز، تربیت از راه تشویق، یکی از مؤثرترین انواع تربیت است و نوعی ترغیب کودکان به انجام رفتارهای اخلاقی به شمار می‌رود (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۶۲). تشویق، قدردانی از یک عمل مثبت است تا بیشتر تکرار شود. در شیوه قرآنی، تشویق از جایگاه والایی برخوردار بوده، مقدم بر تنبیه است (مهرحسینی، بی‌تا: ۶۳).

۵. تنبیه. انواع تنبیه، بدنی و غیربدنی، آخرین روش تربیتی است. تنبیه غیربدنی، مقدم بر تنبیه بدنی است و اگر تنبیه به صورت اخلاقی باشد، تأثیرش از تنبیه بدنی بیشتر است، و آن، به‌گونه‌ای است که کودک حس می‌کند در نزد مربی خود، احترام و محبت سابق را دارا نیست و این، از اذیت‌های بدنی مؤثرتر است (شریف‌زاده خاوری، ۵۴). تنبیه اضطراب شدیدی در کودک به وجود می‌آورد و همین، رشد اخلاقی او را در آینده دچار اشکال می‌کند و نیز مختل‌کننده ذهن بچه است. تنبیه او در هنگامی که هنوز قادر به درک این نیست که چرا رفتار او بد است، کار مفیدی نیست (مونتگ، بی‌تا: ۲۲).

۶. ایجاد کار و اشتغالات فکری، یعنی ایجاد سرگرمی‌هایی که در ضمن آن بتوان به پرورش اخلاقی پرداخت. برای کودکان، برنامه‌های ساعات فراغت، که هم سازنده باشد و هم عوامل مزاحم رشد و تکامل را مهار کند، لازم است. اشتغالاتی مانند، مطالعه که هم لذت بخش است و هم موجب تغذیه روانی در کودک می‌شود، و نیز ورزش، و سرگرمی‌های هنری و فنی که موجب تقویت استعدادها و نهفته در کودکان می‌گردد و فکر آن‌ها را در جهت مطلوب هدایت کرده، از اعمال بی‌هوده جلوگیری می‌کند (شریف‌زاده خاوری، ۵۶). مقام معظم رهبری می‌فرماید: «جامعه نیازمند به خصلت‌های اخلاقی نیکویی است، که باید از کودکی و نوجوانی آموزش داده شود». (بجنورد، ۹۱/۷/۲۱).

نتیجه‌گیری

انسان برای رسیدن به اوج کمال، بهترین استعدادها را داراست؛ اگر از استعدادهای مختلف مادی و معنوی‌اش درست استفاده کند، در مسیر تکامل قرار می‌گیرد. یکی از ابعاد رشد وجودی انسان، رشد اخلاقی است، که مراحل مختلفی دارد و پیمودن آن‌ها، نیازمند تلاش پدران و مادران، مربیان و خود کودک است.

رشد جسمی انسان هم دارای دوره‌های گوناگونی است. در میان این دوران‌ها، بهترین اوقات برای فراگرفتن اخلاق صحیح در زندگی، دوره کودکی فرد است، چرا که هر چه سن انسان کمتر باشد، جنبه پذیرش او بیشتر، قدرت تقلید و حسن قبول ارزش‌هایش شدیدتر است. عواملی مانند: وراثت و محیط خانواده، مدرسه و کادر آموزشی، دوستان و همسالان کودک، محیط اجتماعی، فرهنگ و حتی رسانه‌های همگانی، در رشد اخلاقی کودک تأثیر گذار بوده، روند آن را کند یا تند می‌کنند.

مراحل نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی شامل بیرونی‌سازی، عینی‌سازی، تکرار و استمرار می‌باشد، که توجه به آن‌ها در مسیر رشد اخلاقی مهم است. در این مسیر، مسائلی درونی مانند، علل جسمانی، تغذیه نامناسب، کمبودهای عاطفی و غفلت از محبت، نفی شخصیت کودک و ترس، مانع و سدی در رشد اخلاقی به شمار می‌روند. از سوی دیگر، مسائلی مانند رفتار نامناسب پدران و مادران، سبک‌های نادرست تربیتی، اختلاف‌های خانوادگی، طلاق، فقر و بسیاری از مسائل دیگر می‌توانند نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی را دچار مشکل کنند.

در بحث نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی از شیوه‌های مختلفی سخن به میان می‌آید، که در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری قرار می‌گیرند. در حیطه شناختی، می‌توان از روش‌های پرورش حقیقت‌جویی، آگاهی دادن به کودکان در مورد فضایل و رذایل اخلاقی، موعظه و آموزش تفکر صحیح، استفاده کرد. در حیطه عاطفی، از شیوه‌های محبت، رفق و مدارا، توجه به تأمین نیازها و بیان نتایج دنیوی و اخروی می‌توان بهره برد، اما در حیطه رفتاری، تشویق، بازی، ارائه الگوی عملی و در موارد

ضرورت، تنبیه، راه‌گشایند. با پیمودن مراحل نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان و هماهنگی با آن، استفاده از شیوه‌های شناختی، عاطفی، رفتاری، و از سوی دیگر، با توجه به عوامل مؤثر در این زمینه و سعی در برطرف کردن موانع موجود، می‌توان ارزش‌های اخلاقی را در کودکان نهادینه نمود و کودکانی آراسته به اخلاق اسلامی پرورش داد.

منابع

کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد؛ *عدة الداعي ونجاح الساعي*، تصحیح احمد موحدی قمی، دار الکتب الإسلامی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۳. اسماعیلی یزدی، عباس؛ *فرهنگ اخلاق*، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰.
۴. احدی، حسن و شکوه السادات بنی جمالی؛ *روانشناسی رشد*، انتشارات پردیس، تهران، ۱۳۸۰.
۵. _____؛ *روان شناسی رشد*، چاپ و نشر بنیاد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۶. ایگ، فرانسیس و بیکر سیدنی و آدامز لوییس باتس؛ *رفتار کودک (از تولد تا نه سالگی)*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، انتشارات معینیان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۷. بهشتی، محمد؛ *تربیت عواطف از منظر امیرالمؤمنین امام علی (ع)*، مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع)، نشر تربیت اسلامی، تهران، زمستان ۱۳۷۹.
۸. بهشتی، احمد؛ *اسلام و تربیت کودکان*، چاپ و نشرین الملل، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، تابستان ۱۳۹۰.
۹. بهاری همدانی، محمد، *آداب تربیت اولاد*، با تعلیقات حسنعلی نخودکی اصفهانی، انتشارات آفتاب خوبان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، ترجمه حسین ردایی آملی، نسیم حیات، قم، ۱۳۸۶.
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ *غرر الحکم و درر الکلم* (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی (ع))، تحقیق سید مهدی رجائی، دارالکتب الإسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. جعفر بن محمد؛ *مصباح الشریعه* (منسوب به امام ششم (ع))، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق.

۱۳. جزایری، غیاث الدین؛ *اعجاز خوراکیهها*، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ سی و دوم، ۱۳۸۵.
۱۴. جعفری، محمد؛ *آسیب شناسی تربیت دینی*، شرکت ناجی نشر، تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. جعفری، مجید، *تربیت کودک/ز دیدگاه اسلام*، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۷۴.
۱۶. الحرانی، حسن بن علی؛ *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تصحیح علی اکبر غفاری، کتابچی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.
۱۷. حرعاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه، مؤسسة آل البيت ﷺ*، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۸. خمینی، روح الله؛ *صحیفه نور*، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۰.
۱۹. خدایاری فرد، محمد؛ *مسائل نوجوانان و جوانان*، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۰.
۲۰. داودی، محمد؛ *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت ﷺ*، تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ ششم، بهار ۱۳۸۹.
۲۱. _____؛ *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت ﷺ*، تربیت اخلاقی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸.
۲۲. شریف زاده خاوری، حکیمه؛ *ارزش های اخلاقی در برنامه های مدارس*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین؛ *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۸.
۲۴. رشید پور، مجید؛ *تربیت کودک/ز دیدگاه اسلام*، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۷۴.
۲۵. صالح، محمد علی؛ *راه زندگی*، ترجمه لطیف راشدی، انتشارات محدّث، قم.
۲۶. طباطبایی، صادق؛ *طلوع ماهواره و افول فرهنگ چه باید کرد؟*، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ *مجمع البحرین*، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل؛ *مکارم الاخلاق*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا.
۲۹. قائمی، علی؛ *پروورش مذهبی و اخلاقی کودکان*، انتشارات امیری، تهران، چاپ ششم، تابستان ۱۳۷۶.
۳۰. _____؛ *تربیت و بازسازی کودکان*، انتشارات امیری، تهران، چاپ نهم، پاییز ۱۳۷۴.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *کافی*، دار الکتب الإسلامیّه، اصفهان، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۲. کیلان، ملانی؛ *رشد اخلاقی*، ترجمه محمد رضا جهانگیرزاده، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

- اسلامی، قم، بهار ۱۳۸۹.
۳۳. مصباح، محمد تقی؛ *فلسفه اخلاق*، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۳۴. مصباح، علی و دیگران؛ *روان شناسی رشد (با نگرش به منابع اسلامی)*، سمت، تهران، پاییز ۱۳۷۴.
۳۵. مونتاگ، اشلی، *رشد اخلاقی اطفال*، ترجمه کاظم عمادی، با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، تهران- نیویورک، بی تا.
۳۶. نوری طبرسی، حسین؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسه آل البيت علیه السلام لاهیا، التراث، بیروت، ۱۴۰۸.
۳۷. یوسفی، ساجده؛ *موانع درونی کودک در تربیت دینی*، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، پاییز ۱۳۸۸.

پایان نامه ها

۳۸. احسانی، زهرا؛ *روش تربیت اخلاقی در قرآن و روایات*، (پایان نامه سطح سه، رشته تفسیر و علوم قرآنی)، حوزه علمیه خواهران، جامعه الزهراء علیه السلام، قم، ۱۳۹۲.
۳۹. اوجاقی، زهرا، الگو سازی راهی برای درونی کردن ارزش های دینی در نوجوان، (پایان نامه سطح دو)، حوزه علمیه خواهران، جامعه الزهراء علیه السلام، قم، فروردین ۱۳۸۶.
۴۰. شاهین، فروزان؛ *تأثیر رسانه بر جامعه*، (پایان نامه سطح دو، دوره عمومی)، حوزه علمیه خواهران، جامعه الزهراء علیه السلام، قم، تابستان ۱۳۸۵.
۴۱. محمدی ارهانی، نرجس خاتون؛ *تأثیر محیط اجتماعی بر تربیت از منظر آیات و روایات*، (پایان نامه سطح سه، رشته تفسیر و علوم قرآن)، حوزه علمیه خواهران، جامعه الزهراء علیه السلام، قم، ۱۳۹۲.
۴۲. مهرحسینی، آمنه سادات؛ *روش های تربیت از منظر امام صادق علیه السلام*، (پایان نامه سطح دو، دوره عمومی)، حوزه علمیه خواهران، جامعه الزهراء علیه السلام، قم، بی تا.

مقالات

۴۷. آذر هرنگ، فریبا؛ «پرورش مذهبی کودکان»، (چکیده مقالات همایش پژوهشی کاربردی کیفیت بخشی آموزش و درونی کردن ارزش های اسلامی)، اداره کل آموزش و پرورش، قم، شهریور ۱۳۷۹.
۴۸. برجی نژاد، زینب؛ «نقش مادر در تربیت فرزند»، *طهور*، فصلنامه ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ش ۶، ۱۳۸۹.
۴۹. بهشتی، محمد؛ «تربیت اخلاقی از منظر فیض کاشانی»، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، *دوفصلنامه علمی- تخصصی تربیت اسلامی*، سال اول، شماره اول، قم، پاییز زمستان ۱۳۸۴.
۵۰. جهانگیرزاده، محمد رضا؛ «دیدگاه های شناختی تحولی در رشد اخلاقی»، *مجله*

- معرفت اخلاقی، سال دوم، ش ۸، پاییز ۱۳۹۰.
۵۱. حسینی، افضل الملوک؛ «جایگاه مدرسه در تربیت اخلاقی»، تربیت، سال هفتم، ش ۳، آذر ۱۳۷۰.
۵۲. خلجی، حسن؛ «شیوه‌های قرآنی نهادینه کردن ارزش‌های دینی در کودکان و نوجوانان»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی، بی تا.
۵۳. سجادی، مهدی؛ «رویکردها و روشهای تربیت اخلاقی و ارزشی (بازنگری و نوع شناسی)»، مجله پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ش ۳، بهار ۱۳۷۹.
۵۴. عینی، طاهره؛ «علل مشکلات اخلاقی کودکان از دیدگاه قرآن و عترت»، مجله کوثر، ش ۲۷، بهار ۱۳۸۷.
۵۵. فاضل، سهراب؛ «جامعه‌پذیری و درونی‌سازی ارزش‌های دفاع مقدس، نقدی بر نقش ارزش‌های دفاع مقدس در کتابهای درسی»، فصلنامه سیاست کفایی، سال چهاردهم، ش ۵۵، تابستان ۱۳۸۵.
۵۶. فرمehنی فراهانی، محسن، محمد حسن میرزا محمدی و علی امیرسالاری، «بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق علیه السلام، مبانی، اصول، روش‌های تربیتی»، مجله دانشور رفتار، تربیت و اجتماع، ش ۳۹، ۱۳۸۸.
۵۷. کیانی، جمیله؛ «رشد اخلاقی در کودکان»، مجله پیوند، ش ۱۴۱-۱۴۳، تابستان ۱۳۷۰.
۵۸. لطف آبادی، حسین؛ «روان‌شناسی رشد اخلاقی ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی»، مجله روش‌شناسی، علوم انسانی، ش ۲۹، زمستان ۱۳۸۰.
۵۹. مختاریان پور، مجید و اسدالله گنجعلی؛ «نهادی‌سازی عفاف و حجاب در جامعه؛ رویکردی فرآیندی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، ش ۲، تابستان ۱۳۹۰.
۶۰. یغمایی، اقبال؛ «نکاتی چند درباره آموزش و پرورش کودکان»، مجله آموزش و پرورش، ش ۴، ۱۳۳۲.